

۲۲۶۸۹۸۳

هنر خلاقیت در کودکان

www.ketab.ir

مؤلف: عایشه صادقی کاکه جوب

سرشناسه	:	صادقی کاکه جوب، عایشه، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور	:	هنر خلاقیت در کودکان/ مولف عایشه صادقی کاکه جوب.
مشخصات نشر	:	سندج: انتشارات مسعود، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۰۴ص. : جدول، مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۷۴۵۱-۳۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۰۴-۱۰۳.
موضوع	:	خلاقیت در کودکان Creative ability in children خلاقیت -- جنبه های مذهبی -- اسلام Creative ability -- Religious aspects -- Islam خلاقیت -- جنبه های اجتماعی Creative ability -- Social aspects
رده بندی کنگره	:	BF۴۰۸
رده بندی دیویی	:	۲۵/۱۵۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۷۱۵۳۰۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا



هنر خلاقیت در کودکان

مولف: عایشه صادقی کاکه جوب

ناشر: مسعود

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۵۱-۳۹-۰

مرکز بخش و فروش:

سندج - خیابان فردوسی- پاساژ آشنا- طبقه دوم- پلاک ۱۳

تلفن: ۰۸۷-۳۳۲۳۱۲۴۶

موبایل: ۰۹۱۸۸۷۸۱۳۵۵

فهرست مطالب

۱۰	چگونه یک کودک خلاق بسازی؟
۱۱	پیشگفتار
۱۵	ساخت یک مبتکر
۲۴	مبتکر ربانی
۲۸	چگونه یک مبتکر خواهیم ساخت؟
۲۹	شعار مبتکرانه‌ی هر ماه
۲۹	جلسه‌ی ابتکار
۲۹	اول: تولید و ایجاد اندیشه‌ها در نشست‌های ابتکرانه
۳۱	دوم: تجربه‌ها و بازی‌های خلاقانه
۳۳	اندیشیدن با آقای اندیشمند
۳۳	اول: به کودکت بیاموز که چگونه بیندیشد
۳۷	دوم: خلاقیت با معما و بازی‌های فکری
۳۹	مجلس شورا
۳۹	مجالس شورا و ابتکار مبارک
۴۳	اول: مجلس شورا و بارش ذهنی
۴۶	دوم: مجلس شوری و ابتکار به وسیله‌ی داستان
۴۹	فرزندانم کوچک نیستند
۵۴	اول: بگو فرزند عزیزم خودت را کوچک نشمار

- دوم: به خدا قسم در مورد سهم تو برای خود هیچ کس را ترجیح نمی‌دهم ۵۷
- سوم: کودکان به دیدار بزرگ‌ترها نیاز دارند ۵۹
- چهارم: کوچک، در مسجد بزرگ تربیت می‌شود ۶۰
- پنجم: سلام بر شما ای مردان آینده ۶۵
- مجلس ابتکار ۶۹
- ابتکار به وسیله‌ی ترکیب ۶۹
- پیشرفت با ترکیب اشیاء متعدد ۷۰
- دستگاه تصفیه آب را خودت بساز ۷۴
- با آقای اندیشمند ببندیش ۷۷
- حکم بر اشیاء PMI ۷۷
- مالک و دزدها و PMI ۸۵
- عقلت را به کار ببند ۸۶
- مجلس شوری ۸۸
- اندیشه‌ها و هنرهای در رویارویی ۸۸
- اول: یک هفته بدون تماشای تلویزیون ۹۳
- دوم: قواعد و قوانینی برای مشاهده‌ی تلویزیون ۹۶
- سوم: مادر زرنگ و فعالیت‌های تربیتی ۱۰۰
- فهرست مصادر و منابع ۱۰۳

پیشگفتار

وقتی در مورد ابتکار و خلاقیت صحبت می‌کنیم، باید داستان مردی «عادی» را خاطر نشان سازیم. داستان سمبلیک زیبایی که حال و روز بسیاری از فرزندان امت را به تصویر می‌کشد.

این داستان با تولد کودک زیبایی آغاز می‌شود که والدینش او را «عادی» نامیدند، سپس به صورت کاملاً عادی او را تربیت کردند تا شش ساله شد، او به یک دبستان عادی رفت و معلمان عادی به او تدریس نمودند و برنامه‌های درسی عادی را به او آموختند. بعد از چند سال، به یک مدرسه‌ی راهنمایی عادی رفت، سه سال بعد با معدلی عادی، آماده‌ی ورود به دبیرستانی عادی شد و در طی آن به گونه‌ای عادی درس خواند و این امر باعث شد وارد یک دانشکده‌ی عادی شود و از آن جا که هرگز تلاش نکرد تا غیر عادی باشد، با نمره‌ای کاملاً عادی قبول شد و این امر منجر شد در کاری کاملاً عادی مشغول به کار شود و وقتی تصمیم گرفت ازدواج کند دختری به نام عادیه را انتخاب کرد که در کنار او یک زندگی عادی داشت و هیچ چیز تازه‌ای در آن نبود. پس از مدتی، صاحب فرزندی شدند و او را عادی اصغر نامیدند، سپس همسرش دختری به دنیا آورد و او را عادیه صغری نامیدند. روزها، ماه‌ها و سال‌ها گذشت و مرد عادی مرد، او را دفن کردند و بر قبرش چنین نوشتند: این جا قبر مرد عادی است، هیچ نوآوری نداشت، هرگز فکر نکرد و چیزی به زندگی نیفزود. شعارش این بود: عادی مانند تمام مردم.

امروزه، قبرستان‌های ما مملو از مردان عادی ایست که در عبادت، اخلاق، معاملات، علم، اندیشه و... متمایز نبوده‌اند. این همان دلیل اصلی بحران فرهنگی امروز امت اسلامی است. به این خاطر وظیفه‌ی ما به عنوان - پدران، معلمان و مربیان - این است که برای تربیت نسل جدیدی که خلاقیت و ابتکار

داشته باشد، بیندیشیم.

در مسأله‌ی ابتکار و خلاقیت مردم به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته‌ی اول: کسی که توانایی ابتکار و خلاقیت در او مرده است. کشتن توانایی ابتکار و خلاقیت از طریق روش نادرست تربیت صورت می‌گیرد. یکی از پزشکان برابم مثالی زد که از طریق آن روشن می‌شود چگونه می‌توان ابداع و نوآوری را در درون فرزندان و شاگردانمان بکشیم. این پزشک می‌گوید: وقتی کوچک بودم، یکی از معلمان را بسیار دوست می‌داشتم و این امر باعث شد من تشویق شوم و پیشنهادهایی را که برای بهبود وضع مدرسه و کلاس‌ها مهم بود، یادداشت کنم، ولی در این که این پیشنهادات را چگونه به او بدهم، تردید داشتم تا این که فرصت مناسب رسید. روزی سوار اتوبوس شد و کنار من نشستم. من از او اجازه خواستم تا برگه‌ی پیشنهادات را به او بدهم. او با گشاده رویی از آن استقبال کرد و با کمی دقت آن را خواند. وقتی خواستم از اتوبوس پیاده شوم، برگه‌ی پیشنهادات را دیدم که زیر پای معلم افتاده بود. طوفانی از غم و اندوه، وجود کوچکم را در بر گرفت. از اتوبوس پیاده شدم، در حالی که توانایی نظریه پردازی و پیشنهاد و شاید نوآوری برای چند سالی در درونم کشته شد.

دسته‌ی دوم: کسی که استعداد ابتکار و نوآوری را دارد، اما در طول زندگی، یک یا دو بار بیشتر ابتکار به خرج نداده است، آن هم زمانی که در موضعگیری مشخصی قرار گرفته یا با مشکلی خاص مواجه گردیده است. بهترین مثال این دسته، روایتی است که قرطبی در تفسیرش پیرامون نبرد قادسیه آورده، آن جا که گفته است: «وقتی مسلمانان در روز اول جنگ قادسیه دیدند فارسیان از فیل در نبرد استفاده می‌کنند، بسیاری از مسلمانان نتوانستند با آن‌ها مقابله کنند، زیرا اسب‌ها از فیل‌ها ترسیده بودند و تعداد زیادی از مسلمانان در

روز نخست نبرد، کشته شدند. تا این که مردی از مسلمانان برخاست و با گِل، فیلی درست کرد و در کنار اسبش قرار داد تا این که اسب، به آن خو گرفت. روز بعد اسب از فیل نرسید و بدین ترتیب بر فیل پیشرو حمله کرد. به او گفتند: با این کار کشته می‌شوی.

او گفت: اشکالی ندارد که با کشته شدن من، گشایشی بر مسلمانان حاصل آید.

این امر باعث پیروزی مسلمانان در قادسیه گشت.^۱

ما نمی‌دانیم این شخص چه کسی بوده است، اما برای یک بار ابتکار به خرج داد و باعث ایجاد خیری بزرگ گشت.

از جمله کسانی که در زندگی یک بار ابتکار به خرج داده‌اند: لویس ادیسون واترمن است. او در لحظه‌ای خشم و ناراحتی؛ قلم جوهر را اختراع کرد. در سال ۱۸۸۴م واترمن در عرصه‌ای بیه کار می‌کرد. او توانست با تلاش و سختی بسیار قرار داد مهمی را از چنگ رقبایش خارج کند. وقتی پر و شیشه‌ی حاوی جوهر را برای امضای قرار داد به کارمندش داد؛ جوهر از پر روی برگه ریخت و قرار داد خراب شد. واترمن به سرعت رفت تا نسخی دیگری از قرار داد را برای امضا بیاورد و در غیاب او، یکی دیگر از رقبایش موفق شد قرار داد را به سود خود بندد و تمام تلاش‌های واترمن به خاطر پر جوهری به هدر رفت. واترمن آنقدر خشمگین شد که به فکر اختراع قلمی افتاد که در درون خود لوله‌ی جوهر داشته باشد و پس از چند تجربه، موفق شد و این قلم‌های خودنویس در همه جا انتشار یافت و دنیا از نوشتن با دوات و جوهر و نیز مشکلات ناشی از آن بی‌نیاز گشت.

۱- تفسیر قرطبی، ۲/ ۳۶۲-۳۶۴.